



درس خارج فقه حضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۷ بهمن ۱۳۹۶

مصادف با: ۹ جمادی الاولی ۱۴۳۹

جلسه: ۵۱

موضوع کلی: فصل فی أفعال الوضوء

موضوع جزئی: الثالث: مسح الرأس - مسح بر جلو سر

سال تحصیلی: ۹۶-۹۷

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

عرض شد که به نظر مرحوم سید (ره)، واجب است که مسح سر بر یک چهارم از سر که جلو سر است، باشد، پس مسح بر غیر آن کفایت نمی‌کند.

دلیل حکم مذکور، این است که هر چند که آیه شریفه «...وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلُكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...»^۱ و روایاتی که در رابطه با وضو وارد شده‌اند، اطلاق دارند و به اطلاقشان مسح بر همه سر را شامل می‌شوند، لکن روایاتی که بر مسح بر جلو سر تصریح دارند این اطلاقات را تقیید می‌زنند که روایات ذیل از جمله آن روایات مقیده‌اند:

روایت اول: [فی رواية صحيحة] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «مَسَحَ الرَّأْسَ عَلَى مُقَدِّمِهِ»^۲.

روایت دوم: [فی رواية صحيحة] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي حَدِيثٍ؛ قَالَ: وَ ذَكَرَ الْمَسْحَ؛ فَقَالَ: «امْسَحْ عَلَى مُقَدِّمِ رَأْسِكَ وَ امْسَحْ عَلَى الْقَدَمَيْنِ وَ ابْدَأْ بِالشِّقِّ الْأَيْمَنِ»^۳.

روایت سوم: [فی رواية مرسله] عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحَدِهِمَا (ع) فِي الرَّجُلِ يَتَوَضَّأُ وَ عَلَيْهِ الْعِمَامَةُ؛ قَالَ: «يَرْفَعُ الْعِمَامَةَ بِقَدْرِ مَا يُدْخِلُ إصْبَعَهُ فَيَمْسَحُ عَلَى مُقَدِّمِ رَأْسِهِ»^۴.

همچنین، روایات بیانیه که از کیفیت وضوی پیامبر (ص) حکایت دارند [که در جلسات گذشته در بیان کیفیت وضو، ذکر شدند] بر این دلالت دارند که مسح سر باید بر جلو سر باشد.

به علاوه اینکه مسح بر جلو سر نزد فقها از ضروریات مذهب است.

البته روایاتی وارد شده‌اند که بر این دلالت دارند که مسح سر منحصر بر مسح بر جلو سر نیست لذا این روایات با روایات دال بر وجوب مسح سر بر جلو سر معارضند. روایت ذیل از جمله روایات معارض است:

[روایت صحیحہ حسین بن ابی الأعلی] عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): «امْسَحِ الرَّأْسَ عَلَى مُقَدِّمِهِ وَ مُؤَخَّرِهِ»^۵.

از روایت مذکور، استفاده شده است که جایز است که مسح سر بر پشت سر باشد لذا مسح سر منحصر به مسح بر جلو سر نیست. بنابراین، این روایت با آنچه ذکر شد؛ مبنی بر اینکه واجب است که مسح سر بر جلو سر باشد، منافات دارد لذا گفته‌اند که بین دو طایفه از روایات، تعارض است.

۱. «المائدة»: ۶.

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۲۲، ص ۴۱۰، ح ۱.

۳. همان، باب ۲۵، ص ۴۱۸، ح ۱.

۴. همان، باب ۲۲، ص ۴۱۱، ح ۳.

۵. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۲۲، ص ۴۱۲، ح ۶.

رفع تعارض بین روایت مذکور و روایات دال بر وجوب مسح بر جلو سر

گفته شده است که روایت مذکور، قابل استناد نیست چون:

اولاً: مخالف ضروری مذهب است و با فتاوی اصحاب سازگاری ندارد و همچنین، با روایات دیگر که بر لزوم مسح بر جلو سر دلالت دارند، سازگاری ندارد.

ثانیاً: با توجه به اینکه روایت مذکور، روایت صحیح است، به راحتی کنار گذاشته نمی شود [البته بعضی، مثل سید عبدالاعلی سبزواری (ره) گفته اند که این روایت، سنداً ضعیف است لذا قابل استناد نیست]، بلکه توجیه می شود و برای این روایت محمل درست می شود؛ به این نحو که گفته می شود که روایت مذکور بر تقیه حمل می شود زیرا این روایت بر جواز مسح به مؤخر رأس ندارد، بلکه ظاهر روایت این است که مسح سر باید بر تمام سر باشد چون در روایت «مؤخره» به وسیله واو بر «مقدمه» عطف شده است بنابراین، روایت مذکور با قول عامه مبنی بر مسح بر تمام سر، سازگار است.

مرحوم سید (ره)، در ادامه فرموده است: «و الأولى والأحوط الناصية و هي ما بين البياضين من الجانبين فوق الجبهة»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، اولی و احوط [احتیاط واجب] این است که مسح بر ناصیه باشد و ناصیه بین دو سفیدی از دو طرف است که بالای پیشانی است.

دلیل حکم مذکور

صاحب جواهر (ره)^۲ گفته است که ناصیه متعین است و مسح باید بر ناصیه باشد زیرا روایاتی که وجود دارند بر لزوم مسح بر ناصیه دلالت دارند که روایات ذیل از آن جمله اند:

روایت اول: عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع): «إِنَّ اللَّهَ وَتَرَّ يُحِبُّ الْوُتْرَ، فَقَدْ يُجْزِيكَ مِنَ الْوُضُوءِ ثَلَاثُ غُرْفَاتٍ؛ وَاحِدَةً لِلْوَجْهِ وَاثْنَتَانِ لِلذَّرَاعَيْنِ وَ تَمْسَحُ بِيَلِّهِ يُمْنَاكَ نَاصِيَتِكَ وَ مَا بَقِيَ مِنْ بِلَّةٍ يُمْنَاكَ ظَهْرَ قَدَمِكَ الْيُمْنَى وَ تَمْسَحُ بِيَلِّهِ يُسْرَاكَ ظَهْرَ قَدَمِكَ الْيُسْرَى»^۳.

در جلسات گذشته عرض شد که جمله خبریه در مقام انشاء، ظهور آكد در مفادش دارد.

روایت دوم: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): قَالَ: «لَا تَمْسَحُ الْمَرْأَةُ بِالرَّأْسِ كَمَا يَمْسَحُ الرَّجَالُ إِنَّمَا الْمَرْأَةُ إِذَا أَصْبَحَتْ مَسَحَتْ رَأْسَهَا وَ تَضَعُ الْخِمَارَ عَنْهَا فَإِذَا كَانَ الظُّهْرُ وَالْعَصْرُ وَالْمَغْرِبُ وَالْعِشَاءُ تَمْسَحُ بِنَاصِيَتِهَا»^۴.

در روایت مذکور، برای زن دو نحو مسح مطرح شده است؛ اول، در نماز صبح، مسح بر سر آمده است و کلمه «ناصیه» به کار نرفته است و دوم، در نماز ظهر، عصر، مغرب و عشاء مسح بر ناصیه انجام می شود.

صاحب جواهر (ره) در پایان کلام خود فرموده است: «لكن مع ذلك كله والمسألة لا تخلو من إشكال»^۵.

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۸.

۲. محمدحسن، نجفی [صاحب الجواهر]، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۲، ص ۱۸۰.

۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۳۱، ص ۴۳۶، ح ۲.

۴. همان، باب ۲۳، ص ۴۱۴، ح ۵.

۵. محمدحسن، نجفی [صاحب الجواهر]، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۲، ص ۱۸۱.

سپس گفته است که متبادر از لفظ «مقدم» که در روایات آمده است، در نص و فتوا، عرفاً این است که «مقدم»، به قسمت جلو سر گفته می‌شود و این معنی اوسع از «ناصیه» است، یعنی «ناصیه» در «مقدم الرأس» جا می‌گیرد و «ناصیه» با «مقدم الرأس» مساوی نیست و این دو عین هم نیستند.

کلام آیت الله حکیم (ره) در جمع بین روایات مذکور

آیت الله حکیم (ره) فرموده است جمع بین روایات گذشته که مشتمل بر کلمه «مقدم الرأس» بودند با دو روایت مذکور، که مشتمل بر کلمه «ناصیه» می‌باشند از چهار راه ممکن است:

اول، اینکه روایات مشتمل بر کلمه «مقدم الرأس» به وسیله دو روایت مشتمل بر کلمه «ناصیه» تقیید می‌خورند؛ به این معنی که گفته می‌شود که منظور از «مقدم الرأس»، «ناصیه» است.

دوم، اینکه دو روایت مشتمل بر کلمه «ناصیه» بر افضل افراد و استحباب حمل می‌شوند. بنابراین، مسح بر «مقدم الرأس» نیز مکفی است، لکن افضل این است که مسح بر ناصیه باشد.

البته گاهی پای تعارض بین دو دسته از روایات مطرح می‌شود که اگر اینچنین باشد، راه اول، بهترین راه است که گفته شود که روایات مشتمل بر کلمه «مقدم الرأس» که مطلقند بر روایات مشتمل بر «ناصیه» که مقیدند، حمل می‌شوند چون در جمع بین مطلق و مقید، حمل بر افضل افراد صحیح نیست، بلکه مطلق بر مقید حمل می‌شود و خلاف متفاهم عرفی است که در عین حال که بین دو روایت تعارض وجود داشته باشد، گفته شود که بر افضل افراد حمل می‌شود. اما اگر پای تعارض در میان نباشد و گفته شود که هر دو دسته از روایات مذکور یک معنی را می‌رسانند، روایات مشتمل بر کلمه «ناصیه» بر افضل افراد حمل می‌شود.

سوم، اینکه گفته شود که مقصود از «ناصیه» نیز «مقدم الرأس» است چون «مقدم الرأس» مفهوم روشنی دارد و اجمالی در آن ندارد و در مقابل «مؤخر» است، کما اینکه «مقدم» در مقابل «ایمن» و «ایسر» نیز می‌باشد، ولی مفهوم «ناصیه» مجمل است و روشن نیست، بنابراین، لفظ «ناصیه» از باب حمل مجمل بر مبین بر «مقدم الرأس» حمل می‌شود لذا مقصود از «ناصیه» نیز همان «مقدم الرأس» است.

چهارم، اینکه گفته شود که «مقدم الرأس» بر «ناصیه» حمل می‌شود؛ به این معنی که «مقدم الرأس» و «ناصیه» یک امر واحدند و دو چیز نیستند بنابراین، بین روایات مشتمل بر «مقدم الرأس» و روایات مشتمل بر «ناصیه» تعارضی وجود ندارد. به خصوص اینکه صاحب قاموس نیز گفته است که یکی از معانی «مقدم الرأس»، «ناصیه» است. پس این دو، تفاوت لفظی دارند و تفاوت معنوی و ماهوی ندارند در نتیجه، «مقدم الرأس» مجمل است و معلوم نیست که منظور از آن چه چیز است و معلوم نیست که «مقدم الرأس» در مقابل «مؤخر» است یا خصوص «ناصیه» مورد نظر است لذا «مقدم الرأس» بر «ناصیه» حمل می‌شود و گفته می‌شود که مقصود از «مقدم الرأس»، «ناصیه» است.^۱

آیت الله خویی (ره) در بین احتمالات چهارگانه مذکور، احتمال سوم را برگزیده است و گفته است که مقصود از «ناصیه» همان «مقدم الرأس» است چون معنای «ناصیه» مجمل است ولی معنای «مقدم الرأس» روشن است لذا مجمل بر مبین حمل می‌شود.^۲

۱. سید محسن، طباطبایی حکیم، المستمسک فی شرح العروة الوثقی، ج ۲، ص ۳۶۳.

۲. سید ابوالقاسم، موسوی خویی، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، ج ۴، ص ۱۳۸.

البته این در فرضی است که بین روایات مشتمل بر «مقدم الرأس» و روایات مشتمل بر «ناصیه» تعارض نباشد چرا که اگر بین این دو دسته از روایات، تعارض باشد روایات مشتمل بر «مقدم الرأس» از باب حمل مطلق بر مقید، بر «ناصیه» حمل می‌شوند. نتیجه، اینکه اگر بین دو دسته روایات مذکور، تعارض باشد، راه حل این است که روایات مطلق [روایات مشتمل بر «مقدم الرأس»] بر روایات مقید [روایات مشتمل بر «ناصیه»] حمل می‌شوند، ولی اگر بین این دو دسته از روایات، تعارض نباشد راه حل این است که روایات مشتمل بر «ناصیه» از باب حمل مجمل بر مبین بر «مقدم الرأس» حمل می‌شوند.

اما در عین حال به نظر مرحوم سید (ره) احتیاط این است که مسح بر ناصیه انجام شود چون «ناصیه» مقدار متیقن از آن چیزی است که مسح بر آن جایز است، یعنی «ناصیه» قطعاً جزء «مقدم الرأس» است لذا احتیاط این است که به قدر متیقن اخذ شود.

«الحمد لله رب العالمین»